

Identification and Analysis of the Historical Origins of Occupational Therapy by Referenced Publication Years Spectroscopy

Khasseh, A.A.¹

Asghariyan, N.²

Tajedini, O.^{3*}

Moosavi, A.S.⁴

Ghazizadeh, H.⁵

1. Assistant professor, Department of Information Science and Knowledge Studies, Payam-e Noor University, Email: khasseh@gmail.com

2. M.A. in Information Science and Knowledge Studies, Payam-e Noor University, Email: asghariyan@yahoo.com

3. Assistant professor, Department of Information Science and Knowledge Studies, Shahid Bahonar University of Kerman. (Corresponding author)

4. Assistant professor, Department of Medical Library and Information Science, Kerman University of Medical Sciences. Email: moosavi56@gmail.com

5. Assistant professor, Department of Information Science and Knowledge Studies, Payam-e Noor University, Email: ghazi.hamid@gmail.com

Email: tajedini.o@gmail.com

Abstract

Date of Reception:
27/07/2018

Date of Acceptation:
16/09/2018

Purpose: Using two scientometric techniques named RPYS and RPYS-Co, this research tries to discover the evolutionary and historical development of research in the field of occupational therapy.

Methodology: The research is applied in terms of goal, and is descriptive in terms of data gathering. The research data consists of 7592 articles in the field of therapeutic work. Which are indexed over the 20-year period (1998-2017) in Clarivate Analytics Indexes (SCI-Expanded, SSCI, A & HCI and ESCI). After extracting all the works included in the resource list of these articles, the results were analyzed using the CRExplorer software.

Findings: Findings showed that during 1900-2000, in total, the occupational therapy field witnessed 11 historical mutations in 1910, 1919, 1922, 1943, 1948, 1965, 1969, 1972, 1975, 1979 and 1998, respectively. The title of the most valuable work in the period under review is attributed to the World Health Organization (WHO), Occupational Therapy for Dementia Patients and their Care (2006), and Mini-mental State: a Practical Method for Grading the Cognitive State of Patients for the Clinician (1975).

Conclusion: The results showed that all mutations introduced by both RPYS and RPYS-CO in the field of occupational therapy were paper-based.

Keywords: Occupational therapy, Citation analysis, Scientometrics, History, RPYS, RPYS-CO.

شناسایی و تحلیل خاستگاه‌های تاریخی حوزه کاردرمانی به روش طیف‌سنجی سال انتشار منابع

علی اکبر خاصه^۱
نرگس اصغریان^۲
اورانوس تاج‌الدینی^{۳*}
علی سادات موسوی^۴
حمید قاضی زاده^۵

۱. استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور
Email: khasseh@gmail.com

۲. کارشناس ارشد اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور
Email: asghariyan@yahoo.com

۳. استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان (نویسنده مسئول)

۴. استادیار گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان

Email: moosavi56@gmail.com

۵. استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور
Email: ghazi.hamid@gmail.com

Email: tajedini.o@gmail.com

چکیده

هدف: هدف از انجام این پژوهش، شناسایی سیر تکاملی و تاریخی پژوهش‌های حوزه کاردرمانی با استفاده از دو تکنیک علم‌سنجی به نام‌های RPYS و RPYSO است.

روش‌شناسی: این پژوهش از نظر هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی علم‌سنجی و از نظر گردآوری اطلاعات، توصیفی است. داده‌های پژوهش را تعداد ۷۵۹۲ مقاله در حوزه کاردرمانی که در بازه ۲۰ ساله (۱۹۹۸-۲۰۱۷) در نمایه‌نامه‌های کلاریویت آنالیتیکز (SCI-Expanded)، SSCI، A&HCI و ESCI نمایه شده‌اند، تشکیل می‌دهد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش همه‌آثاری که در قسمت فهرست منابع این مقالات درج شده بودند، با استفاده از نرم‌افزار CRExplorer مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که در بازه زمانی ۱۹۰۰-۲۰۰۰، در مجموع، حوزه کاردرمانی ۱۱ جهش تاریخی را به‌ترتیب در سال‌های ۱۹۱۰، ۱۹۱۹، ۱۹۲۲، ۱۹۴۳، ۱۹۴۸، ۱۹۶۵، ۱۹۶۹، ۱۹۷۲، ۱۹۷۵، ۱۹۷۹ و ۱۹۹۸ شاهد بوده است. عنوان پراچاع‌ترین آثار در بازه‌های زمانی مورد بررسی، به‌سازمان بهداشت جهانی، گراف و همکاران (۲۰۰۶) برای پژوهش «کاردرمانی برای بیماران مبتلا به زوال عقل و مراقبت از آن‌ها» و همچنین مقاله فلشتین و همکاران (۱۹۷۵) با عنوان «آزمون کوتاه وضعیت ذهنی: یک روش عملی برای طبقه‌بندی وضعیت شناختی بیماران برای پزشک» تعلق گرفته است.

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش حاکی از آن است که تمام جهش‌های معرفی شده به دو روش RPYS و RPYS-CO در حوزه کاردرمانی مقاله محور بوده‌اند.

واژگان کلیدی: کاردرمانی، تحلیل استنادی، علم‌سنجی، طیف‌سنجی سال انتشار منابع.

صفحه ۱۸۴-۱۶۱

دریافت: ۱۳۹۷/۵/۵

پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۲۵

مقدمه و بیان مسئله

امروزه در میان رشته‌های حوزه پزشکی، کار درمانی به‌عنوان یکی از شاخه‌های مهم در امداد رسانی و توان‌بخشی به افراد اهمیت خاصی پیدا کرده است. کاردرمانی یکی مهم‌ترین بخش‌های فرایند توان‌بخشی است. کاردرمانی در واقع هنر به‌کارگیری فعالیت‌های هدف‌مند جهت دادن انگیزه کافی برای انجام و ادامه درمان و ارائه تمرین‌های کاربردی مناسب درمانی به منظور پیشگیری از ناتوانی و حل مشکلات عملکردی افراد ناتوان و معلول و کسب حداکثر استقلال عملکردی این افراد است. این خدمات در محدوده مشکلات فیزیکی و روانی قرار دارند (سورگارد^۱ و همکاران، ۲۰۰۱). در واقع زیر بنای کاردرمانی در ارتباط با اختلالات روانی-اجتماعی آن است که انسان دارای این توانایی می‌باشد که بتواند بر سلامت خود از طریق فعالیت تأثیر بگذارد (بلانچارد و کوهن^۲، ۲۰۰۵).

به بیان ساده‌تر، کاردرمانی عبارت است از استفاده از فعالیت‌های هدفمند برای افرادی که در اثر آسیب یا بیماری دچار محدودیت اختلال عملکرد روانی، اجتماعی، رشدی یا اختلال یادگیری شده‌اند، به منظور ایجاد حداکثر استقلال، جلوگیری از ناتوانی و حفظ سلامتی. این حرفه شامل ارزیابی، درمان و مشاوره است (کیس-اسمیت^۳ و همکاران، ۲۰۱۰). مداخلات کاردرمانی غیردارویی بوده و ابزار آن فعالیت‌ها و تمریناتی است که با آسیب یا بیماری افراد دچار محدودیت در کارکردهای روانی، فیزیکی، اجتماعی و رشدی متناسب می‌باشد. این فعالیت‌ها در برگیرنده تمام ابعاد زیست‌شناختی-روانشناختی-اجتماعی انسان است و هدف نهایی آن ارتقاء سلامت، استقلال و کیفیت زندگی می‌باشد (کلینسی و کلرک^۴، ۱۹۹۰). ارائه خدمات ویژه کاردرمانی شامل موارد متنوعی از جمله آموزش مهارت‌های زندگی روزمره، ایجاد و توسعه مهارت‌های درکی-حرکتی، توسعه مهارت‌های بازی و پیش حرفه‌ای و توانایی‌های اوقات فراغت، طراحی، ساختن یا بکار بردن وسایل کمکی و ارتزها و پروتزها، انتخاب وسایل نظافتی، استفاده از صنایع دستی که به طور ویژه به منظور افزایش عملکرد طرح شده است، توصیف و تفسیر آزمون‌ها مثل ارزیابی قدرت عضلانی، ارزیابی دامنه حرکتی، و نیز تطبیق محیط برای فرد معلول می‌شود. این خدمات به طور فردی، گروهی یا در سیستم‌های اجتماعی ارائه می‌گردد (براونسون و اسکافا^۵، ۲۰۰۱). حرفه کاردرمانی خدمات ارزنده‌ای را درباره درمان انواع مشکلات جسمی، ذهنی و روانی به طیف وسیعی از بیماران از تولد تا مراحل انتهایی زندگی را ارائه می‌دهد. بنابراین این حوزه در دنیای امروز با ظهور انواع بیماری‌های روانی، جسمی و ذهنی گسترش بیشتری یافته است. به‌طوری‌که مطالعه در خصوص جنبه‌های مختلف آن همواره یکی از زمینه‌های پژوهشی مهم در حوزه پزشکی محسوب می‌شود و می‌تواند خاستگاه انجام پژوهش‌های پراهمیتی در این حیطه باشد.

محصول این پژوهش‌ها منجر به ارزیابی‌های تمرین-محوری میشوند که از نظر روایی و پایایی قابلیت‌سنجش دارند؛ همچنین، این پژوهش‌ها در راستای ارائه رهنمودهای مداخله‌ای انجام میشود که میتوان اثربخشی آنان را بر روی بیماران سنجد (برون^۶، ۲۰۱۱). امروزه مجله‌های حوزه کاردرمانی از نظر تعداد نسبت به قبل افزایش چشمگیری داشته‌اند؛ به همین دلیل پژوهش‌های این حوزه در دو دهه اخیر از رشد بالایی برخوردار بوده‌اند (گاتمن، برون و هو^۷،

1. Sorgaard
2. Blanchard & Cohen
3. Case-Smith
4. Clancy Clark
5. Brownson & Scaffa
6. Brown
7. Gutman, Brown & Ho

۲۰۱۷). بررسی و تحلیل این پژوهش‌ها به‌طور کلی، و تجزیه و تحلیل فهرست منابع استنادشونده با تأکید بر سال انتشار این منابع، به‌طور اخص، می‌تواند منجر به آشکارسازی خاستگاه‌های تاریخی و برجسته در یک حوزه پژوهشی خاص گردد.

با توجه به موارد بالا و نیز این مهم که حوزه کاردرمانی به‌عنوان یک رشته پزشکی در حال گسترش روزافزون است و از عمر آن به‌عنوان یک رشته مطالعاتی زمان زیادی می‌گذرد، انتظار از پژوهشگران این حوزه این است که کمی به عقب برگشته و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مطالعاتی موجود، ضمن تحلیل نظام‌مند دستاوردهای کسب شده در طول این سال‌ها، نقش و میزان اثرگذاری چهره‌های اثرگذار بر ساختار فکری و روند تکامل حوزه کاردرمانی را با نگاهی عمیق‌تر مورد بررسی قرار دهند. با توجه به مطالب فوق، مسأله اصلی این پژوهش پاسخگویی به این سؤال است که مهم‌ترین آثار در روند تکامل تدریجی حوزه کاردرمانی کدامند؟

سؤال‌های پژوهش

با توجه به مسئله فوق، این پژوهش جستاری است در راستای یافتن پاسخ به پرسش‌های زیر:

۱. بر اساس تکنیک RPYS، مشخصات مهم‌ترین آثار و جهش‌ها در روند تکاملی حوزه کاردرمانی چیست و به چه مباحث موضوعی پرداخته‌اند؟
۲. بر اساس تکنیک RPYS-CO، کدام آثار و با چه موضوعاتی، بیشترین هم‌استنادی را با اثر شاخص داشته‌اند؟

چارچوب نظری

همان‌طور که می‌دانیم، علم‌سنجی بر مطالعه چهار متغیر اصلی استنادات، ارجاعات، پدیدآورندگان، و انتشارات علمی استوار است. بر همین اساس، بخش گسترده‌ای از مطالعات علم‌سنجی بر مبنای استنادات و ارجاعات انجام می‌شود و ذیل یک مقوله تحت عنوان تحلیل استنادی قرار می‌گیرد. تحلیل استنادی نیز کاربردهای بسیاری دارد و از سال ۱۹۶۳ استفاده‌های گوناگونی از آن شده که موارد عمده آنها عبارتند از: بهبود کنترل کتاب‌شناختی متون رشته‌های مختلف، تعیین منابع هسته، گروه‌بندی منابع، ردگیری گسترش اندیشه‌ها و رشد متون علمی، پیش‌بینی روند انتشارات، تبیین الگوی استفاده از انواع منابع در فهرست منابع و مآخذ و سیاست‌گذاری برای مجموعه‌سازی کتابخانه و مراکز اطلاع‌رسانی (حری، ۱۳۹۲). از جمله موارد مهمی که با استفاده از مطالعات تحلیل استنادی می‌توان بدان دست یافت آشکارسازی سیر تحول تاریخی حوزه‌های پژوهشی است.

فنون RPYS و RPYS-CO با همین هدف اصلی معرفی شده‌اند: شناسایی خاستگاه‌های تاریخی حوزه‌های علمی. با استفاده از RPYS میتوان ریشه‌های تاریخی حوزه‌های پژوهشی را نگاشت و تأثیر این خاستگاه‌ها بر پژوهش‌های کنونی را بر شمرد. مبنای این روش تجزیه و تحلیل فراوانی مآخذی است که در تولیدات علمی یک حوزه خاص و براساس سال انتشار این مآخذ مورد استناد قرار گرفته‌اند. در این روش، خاستگاه‌ها را می‌توان با ایجاد برخی منحنی‌های نوسان‌دار نشان داد؛ به طوری که نقاط اوج این منحنی‌ها بیانگر سال‌ها و آثاری است که به کرات مورد استناد قرار گرفته‌اند.

از آنجا که معمولاً تنها بخش کوچکی از آثار موجود در یک حوزه پژوهشی خاص درباره پیشینه تاریخی آن بحث می‌کنند، نوعی سستی یا تضعیف متوجه روش RPYS می‌شود: از بین انبوهی از منابع استنادشونده، تنها برجسته‌ترین و پراستنادترین آثار قدیمی در قالب جهش‌های مجزاً در RPYS نمود می‌یابند. به همین خاطر مارکس، هانشیلد، تور، و بورنمن (۲۰۱۷) روش RPYS-CO را که از تحلیل هم‌استنادی بهره می‌برد به عنوان مکمل روش قبل معرفی کردند. در این روش، می‌توان محیط استنادی یک ارجاع خاص را مطالعه کرد. به بیان ساده تر، همه مدارکی که در گذر زمان با این اثر خاص هم‌استناد شده‌اند شناسایی می‌شوند و با روش RPYS-CO تحلیل می‌شوند. این اثر خاص باید الزاماً یک اثر برجسته و اثرگذار در حوزه مورد بررسی باشد. تا بتواند نتایج حاصل از RPYS را کامل‌تر کند (حیبی، مختارپور، و خاصه، ۱۳۹۶). روش RPYS-CO بر این فرض استوار است که مدارکی که به اثر شاخص ارجاع می‌دهند احتمالاً به سایر منابع تاریخی آن حوزه نیز استناد می‌دهند. به همین دلیل، در این روش، سایر مدارکی که با اثر شاخص هم‌استناد شده‌اند مطالعه و بر اساس میزان هم‌استنادی در گذر زمان، آثار مهم و تأثیرگذار جدیدی شناسایی می‌شوند.

با توجه به مطالب فوق، به منظور کسب بینش مناسب در مورد پیشینه، روند گسترش، روش‌ها و رویکردهای اساسی، یافتن نقاط قوت و ضعف در حوزه پژوهش کاردرمانی نیاز است که مطالعات و پژوهش‌های انجام شده قبلی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد تا بتوان این حوزه را به خوبی گسترش داده و به‌طور عینی و بالینی از اثرات سودمند آن بهره برد؛ از طرفی بررسی همه پژوهش‌های انجام شده در این زمینه بسیار دشوار و گاه غیرممکن به نظر می‌رسد، اما می‌توان سیر تکاملی این حوزه و آثار مهم و تأثیرگذار بر آن را به روشی علمی و عینی نشان داد که در این بین، روش‌های از طیف‌سنجی سال انتشار منابع یا RPYS و RPYS-CO می‌توانند به عنوان روش‌هایی سودمند مورد توجه قرار گیرند، زیرا آنچه که از جانب متخصصان حوزه‌های موضوعی درباره تاریخچه و روند تکاملی آن حوزه اظهار می‌شود بیشتر بر مبنای مطالعاتی است که پیرامون آن حوزه در کتاب‌ها و سایر منابع نظری ارائه شده است و تا حدود زیادی جنبه ذهنی دارد؛ اما آنچه که بر اساس روش‌های RPYS و RPYS-CO آشکار می‌شود بر اساس داده‌ها و نتایج عینی موجود است.

پیشینه پژوهش

از زمان معرفی فنون RPYS و RPYS-CO پژوهشگران چندی سعی داشته‌اند کاربرد این فنون را در کشف و شناسایی خاستگاه‌های تاریخی حوزه‌های مختلف مورد مذاقه قرار دهند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

پیشینه پژوهش در داخل

در داخل کشور، تا کنون با استفاده از فنون RPYS و RPYS-CO ریشه‌های تاریخی حیطه‌های موضوعی مختلفی از جانب پژوهشگران بررسی شده‌اند. نخستین بار سهیلی و خاصه (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای به بررسی خاستگاه‌های تاریخی حوزه‌ی رفتار اطلاعاتی با استفاده از RPYS پرداختند و نشان دادند که حوزه رفتار اطلاعاتی علاوه بر روانشناسی تا حدی نیز تحت تأثیر آثار روش شناختی کمی و کیفی (مثل گراند تئوری و کریتیکال اینسیدنت) بوده است. علاوه بر این بعضی نظریه‌ها و کارهای نظری نیز بر این حوزه اثر گذاشته‌اند.

بیرانوند و خاصه (۱۳۹۵) در پژوهشی با روش RPYS، مهم‌ترین آثار تاریخی در حوزه وب معنایی را شناسایی کردند و نشان دادند که در قرن بیستم حوزه وب معنایی شاهد شش جهش مهم بوده است که به ترتیب در سال‌های

۱۹۶۲، ۱۹۶۵، ۱۹۷۵، ۱۹۷۹، ۱۹۸۳، و ۱۹۹۵ روی داده است. نتایج پژوهش آنان مبین آن بود که حوزه وب معنایی تحت تأثیر آثاری از مباحث مختلف از جمله زبان‌شناسی، بازنمون دانش، و هوش مصنوعی بوده است.

حبیبی، مختارپور، و خاصه (۱۳۹۶) با استفاده از فنون RPYS و RPYS-CO سیر تکاملی و تاریخی پژوهش‌های حوزه‌ی کارآفرینی را مطالعه کردند. یافته‌ها نشان داد که در بازه زمانی ۱۷۰۰ تا ۲۰۰۰، در مجموع، حوزه کارآفرینی ۱۵ جهش تاریخی را به ترتیب در سال‌های ۱۷۵۵، ۱۷۵۹، ۱۷۷۶، ۱۸۰۳، ۱۸۴۸، ۱۸۷۱، ۱۸۹۰، ۱۹۱۱، ۱۹۲۱، ۱۹۳۴، ۱۹۴۲، ۱۹۷۳، ۱۹۹۰، ۱۹۹۴، و ۲۰۰۰ شاهد بوده است. عنوان پرارجاع‌ترین آثار در بازه‌های زمانی مورد بررسی، به ترتیب به کتاب‌های «ثروت ملی» اسمیت، «اصول اقتصاد» مارشال، «نظریه توسعه اقتصادی» شومپتر، و مقاله مشترک شن و ونکاتارامان (۲۰۰۰) تعلق داشت. نتایج نشان داد که فرایند تبادل اطلاعات در سیر تکوین و تکامل حوزه کارآفرینی، عمدتاً از کانال کتاب صورت پذیرفته است.

مختارپور و خاصه (۱۳۹۶) با فن RPYS مهم‌ترین آثار تاریخی در حوزه روش پژوهش را شناسایی کردند و نشان دادند که در بازه زمانی ۱۹۰۰ تا ۱۹۸۰، این حوزه شاهد ۹ جهش مهم بوده است که به ترتیب در سال‌های ۱۹۱۰، ۱۹۲۷، ۱۹۳۴، ۱۹۳۸، ۱۹۵۱، ۱۹۶۰، ۱۹۶۵، ۱۹۶۷، و ۱۹۷۹ روی داده است. یافته‌های پژوهش آنان، از تأثیرپذیری قابل ملاحظه سیر تاریخی مباحث روش پژوهش از مطالعات حوزه روانشناسی (به ویژه، کاربرد آمار در علم روان‌شناسی) حکایت داشت.

موسوی چلک، خاصه و سهیلی (۱۳۹۷) در پژوهشی با هدف کشف و تحلیل سیر تکاملی حوزه «خدمات و منابع مرجع» از فن RPYS استفاده کردند و مشخص کردند که حوزه خدمات مرجع در قرن نوزدهم شاهد یک جهش مهم در سال ۱۸۷۶ مربوط به اثر ساموئل گرین و در قرن بیستم شاهد سه جهش بوده است که به ترتیب در سال‌های ۱۹۶۴ مربوط به اثر سنچس و ارزیابی خدمات مرجع تألیف روتشاین، ۱۹۸۲ کتاب مقدمه‌ای بر کار مرجع اثر ویلیام کتس، و ۱۹۸۶ اثر اضطراب کتابخانه‌ای تألیف ملون روی داده است. آنها به این نتیجه رسیدند که سیر تکاملی حوزه خدمات مرجع تحت تأثیر پژوهشگرانی نظیر گرین، روتشتاین، کتز، ملون، هرنون، فابین، فورد، هاوارد، وایر، تیلور، و معدودی پژوهشگران دیگر بوده است.

پیشینه پژوهش در خارج

از جانب دیگر، در خارج از کشور نیز برخی پژوهش‌ها با به‌کارگیری فن RPYS و در برخی موارد همراه با CO-RPYS اقدام به مطالعه سیر تکاملی برخی حوزه‌های موضوعی کرده‌اند. تعداد زیادی از این پژوهش‌ها در خارج از کشور توسط مبدعان این روش انجام شده‌اند. از نظر تاریخی، نخستین بار مارکس و همکاران (۲۰۱۴)، ضمن معرفی فن RPYS، با استفاده از این روش، مطالعه‌ای را بر روی تولیدات علمی با موضوعات گرافن و سلول‌های خورشیدی انجام داده و آثار مهم در این دو حوزه را مورد شناسایی و تجزیه و تحلیل قرار دادند. در همان سال، لیدسدورف و همکاران^۱ (۲۰۱۴) با استفاده از فن RPYS خاستگاه‌های حوزه علم سنجی را مورد بررسی قرار دادند و نشان دادند که ریشه‌های اولیه علم سنجی بین دهه‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۵۰ میلادی و به‌ویژه تحت تأثیر افرادی نظیر «لوتکا» در سال ۱۹۲۶ شکل گرفته و سپس، از نظر فکری تحت تأثیر موضوعاتی نظیر تاریخ علم «دو سولا پرایس»^۲، زوج

1 . Leydesdorff, et. al.

2 . de Solla Price

کتابشناختی «میشائیل کِسلر»^۱، و نمایه استنادی «یوجین گارفیلد»^۲ به تدریج رشد یافته است.

رای و بورنمان^۳ (۲۰۱۴) نیز با روش RPYS ریشه‌های تاریخی حوزه فلسفه علم را شناسایی کردند و اعلام داشتند که بیشتر آثار تأثیرگذار در این حوزه، برخلاف رشته‌های علوم پایه، در قالب کتاب ظاهر شده‌اند. نتایج پژوهش آنها منجر به شناسایی ۷ جهش بین سال‌های ۱۹۰۰ الی ۱۹۷۰ گردید. از دیگر یافته‌های پژوهش آنان، اختصاص جهش تاریخی سال ۱۹۰۵ به مقاله انیشتین است که نشان از تأثیرگذاری آن بر در متون فلسفه علم دارد. همچنین، مارکس و همکاران (۲۰۱۴) با استفاده از این روش، پژوهش مشابهی بر روی تولیدات علمی با موضوعات گرافن و سلول‌های خورشیدی انجام داده و آثار مهم در این دو حوزه را مورد شناسایی و تجزیه و تحلیل قرار دادند.

خاصه و مختارپور (۲۰۱۶) در پژوهش به بررسی منشاء تاریخی مسائل مربوط به مدیریت دانش با استفاده از فن RPYS پرداختند و نشان دادند که در طول دوره‌های زمانی ۱۹۰۰ تا ۱۹۸۰، هشت تحول مهم در این حوزه رخ داده است. یافته‌های آنان از تأثیرپذیری قابل ملاحظه سیر تاریخی مباحث مدیریت دانش از مطالعات حوزه‌هایی همچون اقتصاد، بازاریابی، تحلیل شبکه‌های اجتماعی، یادگیری سازمانی و جامعه‌شناسی اقتصادی حکایت دارد. همچنین، پیوند خوردن نام مایکل پولانی با جهش‌های سال‌های ۱۹۵۸، ۱۹۶۲، و ۱۹۶۷، حکایت از تأثیرگذاری آشکار این چهره در سیر تکوین مباحث مدیریت دانش در خلال سال‌های مورد بررسی دارد.

مارکس و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی، فنون RPYS و RPYS-CO را در حوزه تغییرات اقلیمی پیاده کردند و نشان دادند که در بررسی خاستگاه تاریخی موضوعات مورد نظر روش RPYS روش مناسبی است ولی بکارگیری روش RPYS-CO به عنوان مکمل موجب می‌شود خاستگاه تاریخی موضوع مورد نظر هم از لحاظ سال بیشترین انتشار و هم نام اشخاص مطرح در زمینه مورد نظر بهتر تبیین و تحلیل شود. هو (۲۰۱۷) نیز با استفاده از RPYS فرایند تکاملی و خاستگاه‌های تاریخی مطالعات تحلیل استنادی را بررسی کرد. یافته‌های وی نشان داد که مجموعاً هشت جهش در سال‌های ۱۹۵۵، ۱۹۶۳، ۱۹۷۳، ۱۹۷۹، ۱۹۸۱، ۱۹۹۰، ۲۰۰۵، و ۲۰۰۸ در این حوزه رخ داده است که مشهودترین جهش در سال ۱۹۹۰ رخ داده است و سال‌های ۲۰۰۸، ۲۰۰۵ و ۱۹۷۹ به ترتیب در رتبه‌های بعد قرار دارند. البته، بررسی‌های دقیق‌تر نشان داد که قبل از این که روش تحلیل استنادی معرفی شود، قواعد لوتکا و برادفورد زمینه‌های ظهور تحلیل استنادی را فراهم کرده‌اند. همچنین دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ دهه‌های شکل‌گیری تحلیل استنادی بوده‌اند که آثار سه تن از متخصصان علم‌سنجی به نام‌های گارفیلد، پرایس، و کِسلر مبانی نظری برای شکل‌گیری این حوزه مطالعاتی را فراهم کرده‌اند. به طور کلی، بر اساس تعداد مقالات و فراوانی فهرست منابع پرتکرار، افرادی همچون گارفیلد، وایت، اسمال، مک‌رابرتس، و پرایس نقش مهمی در کمک به تکامل حوزه تحلیل استنادی ایفا کرده‌اند. در یکی از پژوهش‌های اخیر، بالاندون^۴ (۲۰۱۸) با اتکاء به فن RPYS ریشه‌های تاریخی اقتصاد اکولوژیک را مورد مطالعه قرار دادند و آشکار ساختند که این حوزه تأثیر بسیار کمی را از سایر پژوهش‌های میان‌رشته‌ای پذیرفته است.

البته در کنار پژوهش‌های فوق، لازم است به این نکته نیز اشاره شود که حوزه کاردرمانی نیز در موارد معدودی دست‌مایه کار متخصصان علم‌سنجی قرار گرفته است که از آن جمله می‌توان به تجزیه و تحلیل کتاب‌شناختی آثار

1. Michael Kessler
2. Eugene Garfield
3. Wray & Bornmann
4. Ballandonne

پراستناد کاردرمانی (گاتمن، برون و هو، ۲۰۱۷) و تحلیل علم سنجی نشریات کاردرمانی (براون^۱ و همکاران، ۲۰۱۸) اشاره داشت.

جمع‌بندی از مرور پیشینه

آنچه که از مرور پیشینه‌های این حوزه به دست آمده است مبین آن است که با توجه به پژوهش‌های نسبتاً مناسبی که با به کارگیری فنون RPYS و RPYSO انجام شده است، این فنون از کارایی قابل قبولی برای کشف و شناسایی ریشه‌های تاریخی حوزه‌های مختلف پژوهشی برخوردارند. به طور کلی، گرچه استفاده از روش‌های RPYS و RPYSO در سالیان اخیر در حوزه‌های موضوعی متنوعی انجام شده، اما با توجه به کارایی این دو روش، می‌توان از قابلیت‌های آن در شناسایی ریشه‌های تاریخی و روند تکاملی حوزه‌های موضوعی دیگر سود جست. با توجه به مطالب فوق، این پژوهش به بررسی شناسایی و تحلیل خاستگاه‌های تاریخی حوزه کاردرمانی به روش RPYS و RPYS-CO می‌پردازد. در این روش، خاستگاه‌ها را می‌توان با ایجاد منحنی‌های نوسان‌دار نشان داد؛ به طوری که نقاط اوج این منحنی‌ها بیان‌گر سالی است که آثار منتشر شده در آن سال به کرات مورد استناد قرار گرفته‌اند. شناسایی این سال‌ها که بیشترین میزان پژوهش‌های انجام شده که نقش مهمی در شکل‌گیری حوزه مربوطه ایفا کرده‌اند و همچنین بررسی آثار منتشر شده می‌تواند به گسترش کارهای پژوهشی آینده کمک بسزایی نماید (مارکس و همکاران، ۲۰۱۴). البته، لازم به ذکر است که بررسی سهم و نقش تاریخی این آثار باید به‌طور دقیق و توسط متخصصانی انجام شود که در حوزه مورد پژوهش دستی بر آتش دارند (خاصه و مختارپور، ۲۰۱۶). با توجه به مطالب گفته شده، پژوهش حاضر در صدد آن است با استفاده از فنون RPYS و RPYS-CO خاستگاه‌های تاریخی رشته کاردرمانی را شناسایی نماید.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر بر حسب هدف از نوع کاربردی علم‌سنجی و بر حسب گردآوری اطلاعات، توصیفی است. جامعه آماری این پژوهش، را کلیه مقالات موجود در پایگاه استنادی کلاریویت آنالیتیکز^۲ در حوزه کاردرمانی تشکیل می‌دهد. به‌منظور بازیابی رکوردهای کاردرمانی (شامل مقالات پژوهشی، مقالات مروری و مقالات همایش) که به زبان انگلیسی در نمایه‌های کلاریویت آنالیتیکز (ESCI و A&HCI، SSCI، SCI-Expanded) در بازه ۲۰ ساله (۱۹۹۷ تا ۲۰۱۷) منتشر شده‌اند از اصطلاحات «occupational therapist»، «occupational therapy» و «occupational therapists» به‌عنوان کلمات کلیدی در فیلد موضوع^۳ کلاریویت آنالیتیکز استفاده شد. رکوردهای به‌دست آمده در بسته‌های ۵۰۰ تایی بارگیری شدند. نهایتاً ۷۵۹۲ مقاله به دست آمد که مبنای تجزیه و تحلیل‌های این پژوهش قرار گرفت. با توجه به حجم نسبتاً مناسب تعداد رکوردهایی که در این پژوهش به‌دست آمده است، به نظر می‌رسد انتخاب بازه بیست ساله تا حدود زیادی قابلیت ارائه تصویری نزدیک به واقعیت را دارد باشد.

برای تجزیه و تحلیل داده به ابتدا روش RPYS بر روی رکوردهای به دست آمده پیاده‌سازی شد؛ به طوری که تمامی فهرست منابع به کار رفته در مقاله استخراج شد و با استفاده از نرم افزار CRExplorer تجزیه و تحلیل شد. نتیجه این بخش از پژوهش منجر به شناسایی آثار تاریخی مهم و تأثیرگذار بر سیر تکامل پژوهش‌های حوزه کاردرمانی گردید؛ که این آثار به لحاظ محتوایی نیز مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به یافته‌هایی که از بخش نخست

1. Brown
2. Clarivate Analytics
3. Topic

به دست آمد، در مرحله‌ی بعد، روش RPYS-C که به تازگی توسط مارکس و همکاران (۲۰۱۷) معرفی شده است روی رکوردهای حوزه‌ی کاردرمانی به کار رفت. این روش بر مبنای هم استنادی‌های یک اثر شاخص استوار است. بر همین اساس، ابتدا با استفاده از نتایج مرحله‌ی نخست، مقاله فیشترین و همکاران (۱۹۷۵) به عنوان مقاله شاخص در حوزه کاردرمانی شناسایی شد. مقاله مذکور هم به لحاظ قدمت و هم از نظر تعداد استناد جزو آثار متمایز در حوزه کار درمانی به شمار می‌رود. با استفاده از روش RPYS-CO، میزان هم استنادی سایر منابع با مقاله‌ی شاخص (مقاله فیشترین و همکاران) در گذر زمان مورد بررسی، ارزیابی، و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. با ترکیبی از RPYS-CO و RPYS سعی گردید روش‌های آثار تاریخی و تاثیرگذار در حوزه‌ی کاردرمانی به روشی علمی شناسایی شوند و بینش نسبتاً جامعی از سیر تکاملی این حوزه به دست آید. در این پژوهش، به تأسی از پژوهش‌های پیشین، نتایج مربوط به تجزیه و تحلیل یافته‌های حاصل از تکنیک RPYS در بازه‌های زمانی جداگانه (۱۹۵۰-۱۹۰۰، ۱۹۵۰-۱۹۸۰ و ۱۹۸۱-۲۰۰۰) ارائه می‌شود. لازم به ذکر است که انتخاب این بازه‌های زمانی به این صورت به علت توزیع کمی متناسب مقالات و منابع آن‌ها در بازه‌های مورد احتساب بوده و همچنین در این پژوهش به دلیل کم بودن تعداد استنادات قبل از بازه زمانی ۱۹۰۰، مطالعات بعد از این سال را در نظر گرفته شده است.

یافته‌های پژوهش

جهت تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش تمامی منابع استفاده شده در ۷۵۹۲ عنوان مقاله نمایه شده در کلاریویت آنالیتیکز مربوط به حوزه کاردرمانی در بازه زمانی ۱۹۹۸-۲۰۱۷ استخراج شد و مشخص گردید که به‌طور کلی در این مقالات ۲۶۰۰۰۵ منبع ارجاعی مورد استفاده قرار گرفته، یعنی به‌طور متوسط در هر مقاله حدود بر ۳۴ منبع استفاده شده است.

تمامی ارجاعات و منابع استفاده شده استخراج و به‌منظور شناسایی خاستگاه‌های تاریخی کاردرمانی تجزیه و تحلیل شدند. در ادامه ابتدا یافته‌های مربوط به روش RPYS در بازه‌های زمانی جداگانه ارائه و سپس یافته‌های مربوط به روش RPYS-CO ارائه می‌شوند.

پاسخ به سؤال اول پژوهش. بر اساس تکنیک RPYS، مشخصات مهم‌ترین آثار و جهش‌ها در روند تکاملی حوزه کاردرمانی چیست و به چه مباحث موضوعی پرداخته‌اند؟

بازه زمانی ۱۹۰۰ تا ۱۹۵۰

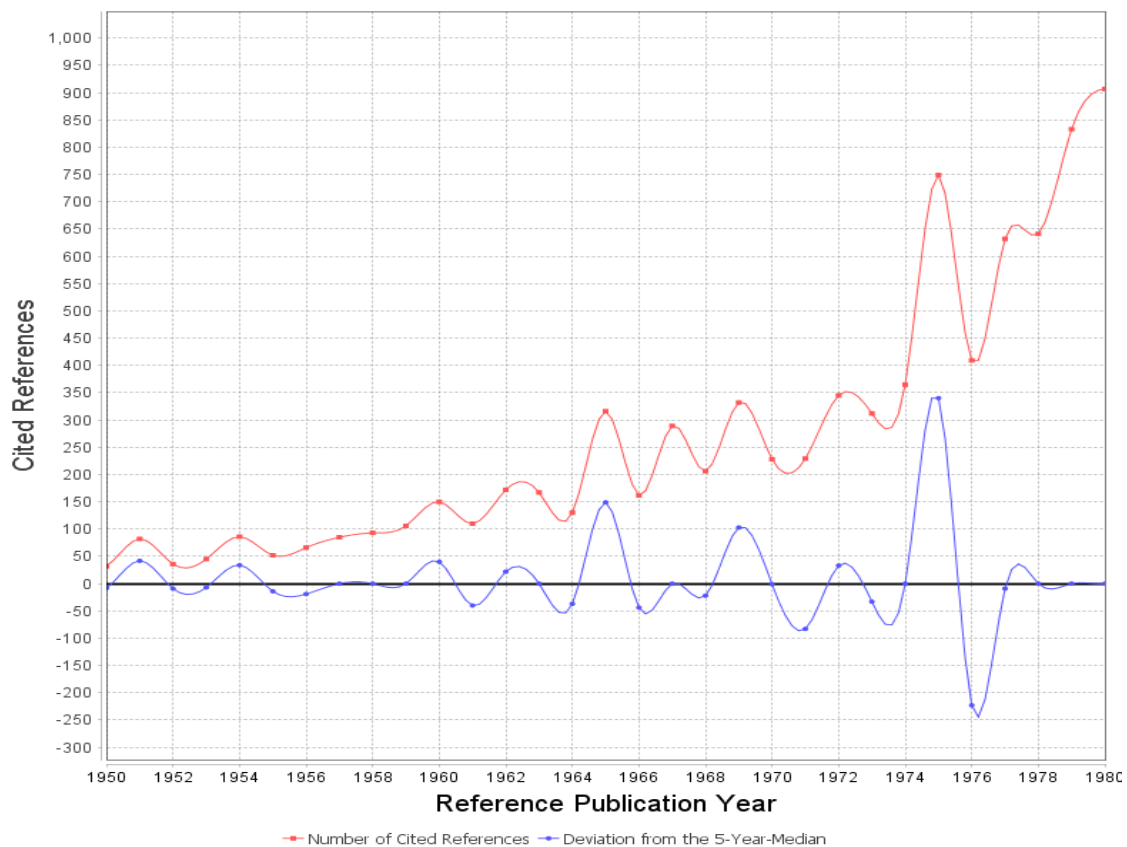
نمودار ۱ توزیع تعداد مآخذ موجود در رکوردهای حوزه‌ی کاردرمانی را در بازه‌ی ۱۹۰۰-۱۹۵۰ نشان می‌دهد. بر اساس نمودار، بین سال‌های مذکور پنج جهش به ترتیب در سال‌های ۱۹۱۰، ۱۹۱۹، ۱۹۲۲، ۱۹۴۳ و ۱۹۴۸ روی داده است. بنابراین می‌توان گفت در این سال‌ها آثار مهم و تأثیرگذاری در شکل‌گیری مباحث کاردرمانی به رشته تحریر درآمده است که بعدها به دفعات مورد استناد قرار گرفته‌اند؛ به همین دلیل لازم است آثاری که در سال‌های مذکور منتشر شده‌اند شناسایی و تحلیل شوند تا تأثیر آن‌ها بر حوزه کاردرمانی مشخص شود.

جدول ۱ نتایج مربوط به آثاری را نشان می‌دهد که در بازه زمانی ۱۹۰۰ تا ۱۹۵۰ بیشترین ارجاع را در بین مقالات منتشر شده در سال‌های ۱۹۹۸-۲۰۱۷ دریافت کرده‌اند و می‌توان آن‌ها را مقالات تأثیرگذار نامید.

می‌کند» می‌باشد. جهش دوم این دوره مربوط به اثر ویلیام راش دانتون^۱ (۱۸۶۸-۱۹۶۶) با عنوان «بازسازی درمان» است. سومین جهش که در سال ۱۹۲۲ رخ داده است مربوط به اثر آدولف مایر^۲، پروفسور روانپزشکی دانشگاه جان هاپکینز^۳ (۱۸۶۶-۱۹۵۰) تحت عنوان «فلسفه کاردرمانی» می‌باشد. جهش سال ۱۹۴۳ مربوط به مقاله معروف دکتر لئو کانر^۴ از دانشگاه جان هاپکینز (۱۸۹۴-۱۹۸۱) به نام اختلالات اوتیسم ناشی از تماس عاطفی می‌باشد. و در نهایت، جهش آخر این دوره مربوط به پژوهش جوسف تیفین^۵ و استون جیمز اسر^۶ در سال ۱۹۴۸ تحت عنوان «آزمون پوردو پگیورد^۷: هنجاریابی و مطالعات اطمینان و اعتبار آن» می‌باشد. توضیحات مبسوط‌تر این آثار در قسمت بحث و نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

بازه زمانی ۱۹۵۱ تا ۱۹۸۰

بر اساس نمودار ۲، بین سال‌های ۱۹۵۱ تا ۱۹۸۰ پنج جهش به ترتیب در سال‌های ۱۹۶۵، ۱۹۶۹، ۱۹۷۲، ۱۹۷۵ و ۱۹۷۹ روی داده و مشخصات آثار تأثیرگذار در این دوره در جدول ۲ آمده است.



نمودار ۲. نتایج RPYS در موضوع کاردرمانی (بازه زمانی ۱۹۵۰-۱۹۸۰)

- 1 . William Rush Dunton
- 2 . Adolf Meyer
- 3 . John Hopkins
- 4 . Leo Kanner
- 5 . Joseph Tiffin
- 6 . Eston J Asher
- 7 . Purdue Pegboard

جدول ۲. جهش‌های تاریخی حوزه کاردرمانی به همراه پر ارجاع‌ترین آثار در بازه زمانی ۱۹۵۱-۱۹۸۰

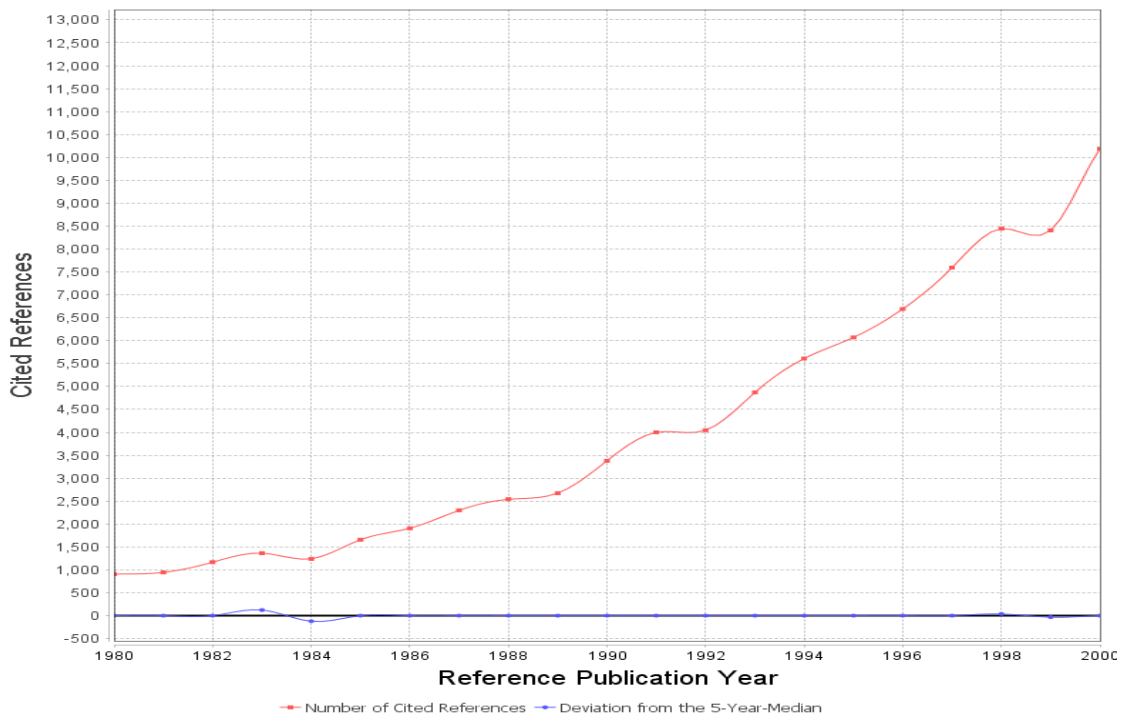
سال جهش	مشخصات تأثیرگذارترین اثر در سال جهش	تعداد استنادات دریافتی توسط اثر تأثیرگذار	تعداد کل استنادات دریافتی نوع اثر در سال جهش
۱۹۶۵	Mahoney, F. I. (1965). Functional assessment: the Barthel index. <i>Md Med J</i> , 14, 61-65.	۱۳۶	۳۱۶
۱۹۶۹	Lawton, M. P., & Brody, E. M. (1969). Instrumental activities of daily living scale (IADL). <i>Gerontologist</i> , 9, 179-186.	۵۳	۳۳۲
۱۹۷۲	Ayres, A. J. (1972). Types of sensory integrative dysfunction among disabled learners. <i>American Journal of Occupational Therapy</i> .	۷۵	۳۴۵
۱۹۷۵	Folstein, M. F., Folstein, S. E., & McHugh, P. R. (1975). "Mini-mental state": a practical method for grading the cognitive state of patients for the clinician. <i>Journal of psychiatric research</i> , 12(3), 189-198.	۲۳۹	۷۴۹
۱۹۷۹	Ayres, A. J. (1979). <i>Sensory integration and the child</i> . Los Angeles: Western Psychological Services.	۵۳	۸۳۳

جدول ۲ حاکی از آن است اولین جهش این دوره در سال ۱۹۶۵ مربوط به اثر ایل فرو ماهونی^۱ (۱۹۶۵) به نام «ارزیابی عملکرد: شاخص بارتل» می‌باشد. دومین جهش مربوط به پژوهشی است که توسط لوتون و برودی^۲ در سال ۱۹۶۹ با عنوان «مقیاس فعالیت‌های ابزاری زندگی (IADL)» انجام شده است. جهش سوم مربوط به مقاله آنا جین آیرز^۳ (۱۹۲۰-۱۹۸۸) در سال ۱۹۷۲ با عنوان «انواع اختلالات ادغام حسی در میان معلمان معلول» می‌باشد. مهم‌ترین جهش این دوره مربوط به اثر مارشال فلشتین، سوسان فلشتین و پول مچوق^۴ با عنوان «آزمون کوتاه وضعیت ذهنی^۵: یک روش عملی برای طبقه‌بندی وضعیت شناختی بیماران برای پزشک» در سال ۱۹۷۵ می‌باشد. و در نهایت آخرین جهش مربوط به سال ۱۹۷۹ اثر آنا جین آیرز (۱۹۲۰-۱۹۸۸) با عنوان «یکپارچگی حسی و کودک» می‌باشد. توضیحات مبسوط‌تر این آثار در قسمت بحث و نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

بازه زمانی ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۰

نمودار ۳ توزیع تعداد منابع و مآخذ موجود در رکوردهای حوزه کاردرمانی را در بازه ۱۹۸۱-۲۰۰۰ نشان می‌دهد. براساس این نمودار، بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۰ یک جهش مهم رخ داده است که مربوط به سال ۱۹۹۸ است. مشخصات این اثر در جدول ۳ آمده است و همان‌طور که مشاهده می‌شود این جهش مربوط به مقاله ماری لاول^۶ و همکارانش (۱۹۹۸) تحت عنوان «شغل، سلامت و رفاه» می‌باشد که در قسمت بحث و نتیجه‌گیری بیشتر به این اثر خواهیم پرداخت.

1. Mahoney Ile Freund
2. Lawton & Brody
3. Anna Jane Ayers
4. Marshal Folstein, Susan Folstein & Paul McHugh
5. Mini-Mental State Examination (MMSE)
6. Mary Law



نمودار ۳. نتایج RPYS در موضوع کاردرمانی (بازه زمانی ۱۹۸۱-۲۰۰۰)

جدول ۳. جهش‌های تاریخی حوزه کاردرمانی به همراه پر ارجاع‌ترین آثار در بازه زمانی ۱۹۸۱-۲۰۰۰

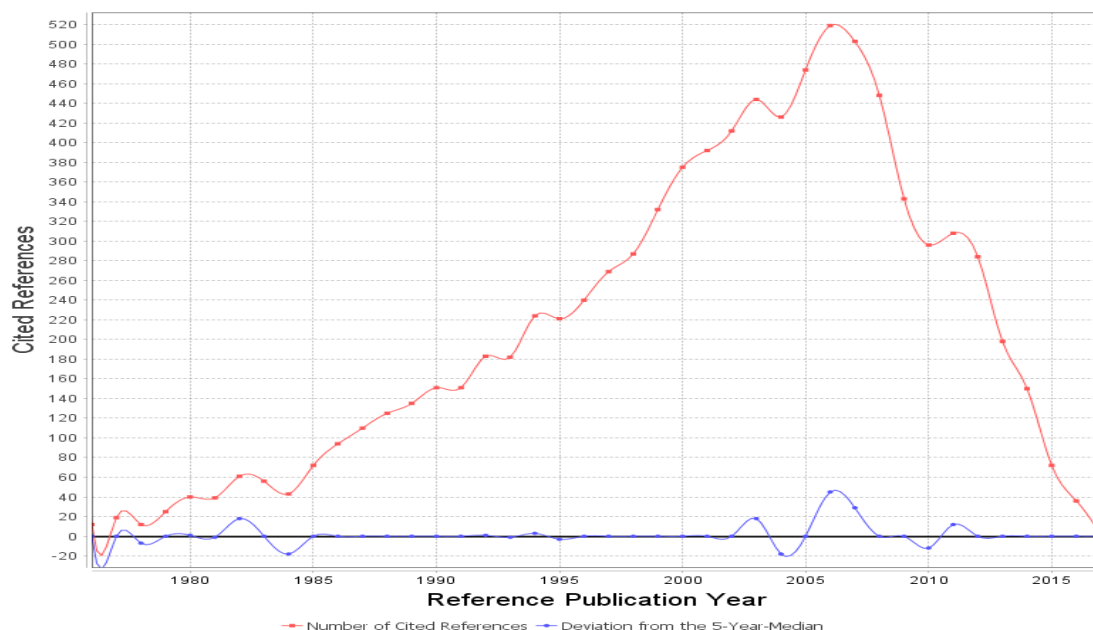
سال جهش	مشخصات تأثیر گذارترین اثر در سال جهش	تعداد استنادات دریافتی توسط اثر تأثیر گذار	تعداد کل استنادات دریافتی در سال جهش	نوع اثر
۱۹۹۸	Law, M., Steinwender, S., & Leclair, L. (1998). Occupation, health and well-being. Canadian Journal of Occupational Therapy, 65(2), 81-91.	۲۵۱	۸۴۴۴	مقاله

پاسخ به سؤال دوم پژوهش. بر اساس تکنیک RPYS-CO، کدام آثار و با چه موضوعاتی، بیشترین هم-استنادی را با اثر شاخص داشته‌اند؟

در روش RPYS-CO، سایر مدارکی که با اثر شاخص هم استناد شده‌اند مطالعه و بر اساس میزان هم‌استنادی در گذر زمان، آثار مهم و تأثیرگذار جدیدی شناسایی می‌شوند. در این بخش از پژوهش، با توجه به این که مقاله مارشال فلشتین، سوسان فلشتین و پول مچوق با عنوان «آزمون کوتاه وضعیت ذهنی: یک روش عملی برای طبقه‌بندی وضعیت شناختی بیماران برای پزشک» در سال ۱۹۷۵ درصد قابل توجهی از استنادات این سال را به تنهایی به خود اختصاص داده است، معیار لازم را دارد تا به عنوان یک اثر قدیمی و شاخص در کاردرمانی به شمار آید. در همین راستا نتایج هم‌استنادی به این مقاله در دو بازه زمانی ۱۹۰۰ تا ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶ تا ۲۰۱۷ مورد تحلیل قرار گرفت تا مشخص شود چه آثاری بیشترین هم‌استنادی را با پژوهش‌های شاخص در حوزه کاردرمانی داشته‌اند.

بازه زمانی ۱۹۰۰ تا ۱۹۷۵

در نمودار ۴، توزیع سالیانه منابعی که با مقاله فلشتین و همکاران (۱۹۷۵) در بازه زمانی ۱۹۷۵-۱۹۰۰ هم‌استناد شده‌اند نشان داده شده است. مشخصات این آثار به همراه میزان هم‌استنادی‌شان با اثر شاخص در جدول ۴ ارائه شده است.



نمودار ۵. توزیع سالیانه منابعی که با مقاله فلشتین و همکاران (۱۹۷۵) در بازه زمانی ۱۹۷۵-۲۰۱۷ هم استناد شده‌اند

جدول ۵. نتایج تحلیل RPYS-CO بر روی مدارک حوزه کاردرمانی در بازه زمانی ۱۹۷۵-۲۰۱۷

سال چشم	مشخصات تأثیرگذارترین اثر در سال چشم	تعداد هم استنادی با اثر شاخص	تعداد کل هم استنادی‌ها در سال چشم	نوع اثر
۱۹۹۲	Tombaugh, T. N., & McIntyre, N. J. (1992). The mini-mental state examination: a comprehensive review. <i>Journal of the American Geriatrics Society</i> , 40(9), 922-935.	۱۲	۱۸۳	مقاله
۲۰۰۱	World Health Organization, 2001	۲۳	۳۹۲	-
۲۰۰۵	Law, M., Majnemer, A., McColl, M. A., Bosch, J., Hanna, S., Wilkins, S., & Stewart, D. (2005). Home and community occupational therapy for children and youth: A before and after study. <i>Canadian Journal of Occupational Therapy</i> , 72(5), 289-297.	۱۳	۴۷۴	مقاله
۲۰۰۶	Graff, M. J., Vernooij-Dassen, M. J., Thijssen, M., Dekker, J., Hoefnagels, W. H., & Rikkert, M. G. O. (2006). Community based occupational therapy for patients with dementia and their care givers: randomised controlled trial. <i>Bmj</i> , 333(7580), 1196.	۱۴	۵۱۹	مقاله

همان‌گونه که در شکل ۵ نشان داده شده است نتایج تحلیل هم‌استنادی بر روی مدارک کاردرمانی منتج به شناسایی ۴ اثر گردید که در این بین هر ۴ اثر جدید هستند و در تحلیل طیف‌سنجی (RPYS) شناسایی نشده بودند. همان‌طور که در جدول ۵ نیز مشخص است در این دوره، اثر مربوط به سازمان بهداشت جهانی (۲۰۰۱) با ۳۲ بار هم‌استنادی، بیشترین هم‌استنادی را با اثر شاخص داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

کاردرمانی استفاده از فعالیت‌های هدفمند برای جلوگیری از ناتوانی و حفظ سلامتی و دادن استقلال برای انجام

کارهای افرادی است که به نوعی دچار آسیب جسمی، ذهنی یا روانی هستند بنابراین می توان انتظار داشت با توجه به اهمیت این حوزه در حیطه علم پزشکی بررسی ریشه های تاریخی حوزه کاردرمانی، مدارک و استنادات مربوط به آن کمک شایانی به پژوهشگران این حوزه کند. یافته های این پژوهش نشان داد که مهم ترین سال ها در روند تکاملی تدریجی حوزه کاردرمانی در دوره ۱۹۰۰-۱۹۵۰ مربوط به سال های ۱۹۱۰، ۱۹۱۹، ۱۹۲۲، ۱۹۴۳ و ۱۹۴۸؛ در دوره ۱۹۵۱-۱۹۸۰، مربوط به سال های ۱۹۶۵، ۱۹۶۹، ۱۹۷۲، ۱۹۷۵ و ۱۹۷۹ و در دوره ۱۹۸۱-۲۰۰۰ مربوط به سال ۱۹۹۸ بوده است. در کل در حوزه کاردرمانی ۱۱ جهش در دوره ۱۹۰۰-۲۰۰۰ شناسایی شد. مدارکی که با این روش و براساس رویکرد استنادشنودگی شناسایی شدند، در حکم پایه فکری^۱ حوزه کاردرمانی محسوب می شوند. در دوره های قبل از ۱۹۰۰ جهش های قابل توجهی وجود نداشته است. همان طور که نتایج این پژوهش نشان می دهد بیشترین روند تکاملی در دوره ۱۹۰۰-۱۹۸۰ حاکم بوده و در دوره های اخیر روند قابل توجهی وجود نداشته است. بنابراین صد سال اول ظهور مفاهیم کاردرمانی مهم ترین دوران تکاملی این حوزه بوده است. همچنین نکته قابل توجه دیگر در بحث ریشه های تاریخی حوزه کاردرمانی این بود که بیشتر خاستگاه های تاریخی و تأثیرگذار بر این حوزه، مقاله محور بوده اند که این بخش از یافته ها با نتایج پژوهش سهیلی و خاصه (۱۳۹۴) در حوزه رفتار اطلاعاتی و مختارپور و خاصه (۱۳۹۶) در حوزه روش پژوهش نیز همخوانی دارد؛ اما با نتایج پژوهش های حبیبی، مختارپور و خاصه (۱۳۹۶) در حوزه کارآفرینی و موسوی چلک، خاصه و سهیلی (۱۳۹۷) در حوزه خدمات مرجع مغایرت دارد. نتایج مربوط به دوره ۱۹۰۰-۱۹۵۰ حاکی از وجود ۵ جهش بود که نخستین جهش در سال ۱۹۱۰ روی داده و مربوط به هال^۲ (۱۹۲۳-۱۸۷۰) و مقاله وی با نام «کاردرمانی: گزارش پنج ساله در مؤسسه ای که در زمینه درمان سرپایی کار می کند» می باشد. از آنجایی که حرفه سلامت در کاردرمانی در اوایل دهه ۱۹۱۰ به عنوان بازخوردی از عصر ترقی خواهی، تصور می شد، متخصصان جدید ایده آل های با ارزش مثل داشتن اخلاق کاری منسجم و اهمیت کارهای صنعتی دستی را با اصول علمی و پزشکی، ترکیب کردند. و در این مقاله، هال (۱۹۱۰) نیز به این ترکیب اشاره کرده است. در این پژوهش محیط فرهنگی پژوهشگر با ایدئولوژی جنبش هنر و کار درمانی با پزشکی ادغام شده است. در قرن بیستم اکثر بیماران کسانی بودند که به اصطلاح از ضعف اعصاب رنج می بردند و اکثر درمان ها شامل استراحت، رژیم های درمانی و آب درمانی بود. در آمریکا این اختلالات «نوراستنیا^۳» نام گرفت و شامل اختلالات افسردگی، اضطراب و اختلالات رفتاری می شد و درمان های صورت گرفته در این موارد بسیار گران بود. در این پژوهش بر درمان هایی مانند کارهای هنری^۴ تأکید شد که نه تنها فی الذاته ارزشمند بودند بلکه از نظر اقتصادی نیز مقرون به صرفه بود. هال (۱۹۱۰) از جمله کسانی بود که بر روی بیماران جنگ جهانی اول که از سر درد رنج می بردند، کار کرد. در این دوران مشغولیت فکری اکثر مردم ناتوانی جسمانی و روانی این مصدومان بود که کاردرمانی در این زمان بسیار کمک کننده بود (آنتونی^۵، ۲۰۰۵). هال، یک بیمارستان خصوصی در مارشال ماساچوست^۶ برای درمان اختلالات عصبی تأسیس کرد. هال معتقد بود که بیماران می توانند از طریق کاردرمانی به سلامت خود دست یابند. بعدها مزایای کاردرمانی در نشریات پزشکی توسط این پژوهشگر مورد توجه قرار گرفت.

1. Intellectual Base
2. Herbert J Hall
3. Neurasthenia
4. Craft work
5. Anthony
6. Marblehead Massachusetts

جهش دوم این دوره (بازه زمانی ۱۹۰۰ تا ۱۹۵۰) مربوط به اثر ویلیام راش دانتون^۱ (۱۸۶۸-۱۹۶۶) با عنوان «بازسازی درمان» می‌باشد. وی بنیان‌گذار و اولین رئیس انجمن کاردرمانی آمریکا بود. دانتون ریشه فلسفه کاردرمانی را جنبش فلسفی درمان اخلاقی که مبتنی بر رویکرد انسان‌گرایانه بود می‌داند. دانتون به دنبال توسعه دادن این ایده بود که کاردرمانی اساس احتیاجات انسان بوده و جنبه درمانی نیز دارد. دانتون (۱۹۱۹) در این اثر خود به تأثیر کاردرمانی بر بیماری‌های عصبی پرداخت. وی بیان داشت که رنگ‌های روشن به بیماران عصبی حس خوشحال بودن می‌دهد و عمل برش و دوخت کمک می‌کند ذهن خود را از مشکلات خود دور نگه دارند. در این اثر فرضیات پایه‌ای کاردرمانی مطرح شده است (دانتون، ۱۹۳۴).

جهش سوم که در سال ۱۹۲۲ رخ داده است مربوط به به اثر آدولف مایر^۲، پروفیسور روانپزشکی دانشگاه جان هاپکینز^۳ (۱۸۶۶-۱۹۵۰) تحت عنوان «فلسفه کاردرمانی» می‌باشد. وی از جمله پیشگامان روان‌شناسی در اوایل قرن بیستم بود. مایر (۱۹۲۲) زمینه علمی غنی‌ای داشت که در مورد بیماران مبتلا به اختلالات روانی بسیار اهمیت دارد. مایر در مقاله فلسفه کاردرمانی معتقد بود که تفکر علمی محض، گاه می‌تواند بسیار جسم‌گرا و محدود باشد. پس او به بحث در مورد جنبه‌های زیست‌شناسی پرداخت و رویکرد روان‌شناسی^۴ را بیان کرد (لامب^۵، ۲۰۱۴). مایر (۱۹۲۲) به واسطه ارتباط با دوستانش ویلیام جیمز^۶ و جان دیویی^۷ و تحت تأثیر نظریه عمل‌گرایی، نظریه روان‌زیست‌شناختی خود را در درمان اخلاقی بنا نهاد و از مفاهیم آن در ایجاد فلسفه کاردرمانی استفاده نمود. وی مشکل بیماری روانی را در سازگاری و زندگی کردن می‌دانست و برای رفع آن رژیم کاری را پیشنهاد نمود. او به بررسی جنبه‌های کاری و عملکردی بیمار پرداخت و به جمع حامیان کاردرمانی وارد شد. مایر (۱۹۲۲) در پژوهش خود بیان داشت مبتلایان به اختلالات روانی را افرادی باید دانست که دارای مشکلاتی در ابعاد مختلف زندگی هستند نه فقط دارای علائم روانی. او بر دیدن انسان به عنوان یک کل و اهمیت برقراری تعادل میان کار و استراحت تأکید داشت. او معتقد بود با قرار گرفتن فرد در فعالیت، امکان بررسی دقیق‌تر مشکلات او در زندگی امکان‌پذیر خواهد شد و نقش درمانگران را، ایجاد موقعیت جهت انجام انواع فعالیت و خلاقیت برای بیماران می‌دانست و آموزش عادت^۸ را به کاردرمانی وارد کرد (کریستینسن^۹، ۲۰۰۷). همان‌گونه که از جدول ۱ برمی‌آید، جهش سال ۱۹۴۳ مربوط به مقاله معروف دکتر لئو کانر^{۱۰} از دانشگاه جان هاپکینز (۱۸۹۴-۱۹۸۱) به نام اختلالات اوتیسم ناشی از تماس عاطفی می‌باشد. وی اولین بار اوتیسم را تعریف کرد. او این کشف خود را بر مبنای مطالعه بر روی ۱۱ کودک طی سال‌های ۱۹۳۸-۱۹۴۳ بنا نهاده بود. آنچه او در این مقاله مطالعه کرده است کودکانی هستند که از سال اول زندگی‌شان مدام از هر تماس و ارتباطی با انسان‌ها اجتناب و دوری می‌کرده‌اند. شایان ذکر است که تا پیش از مطرح شدن اصطلاح اوتیسم توسط کانر (۱۹۴۳) کودکانی با نشانگان اوتیسم در دسته کودکان آسیب‌دیده از لحاظ عاطفی و یا کودکان عقب‌مانده ذهنی قرار می‌گرفتند. کانر (۱۹۴۳) دریافت که کودکان اوتیستیک غالباً توانایی‌های ویژه‌ای از خود نشان می‌دهند و به‌ندرت در یادگیری کند

1. William Rush Dunton
2. Adolf Meyer
3. John Hopkins
4. Psychobiological
5. Lamb
6. William James
7. John Dewey
8. Habit Training
9. Christiansen
10. Leo Kanner

هستند (بلاچر و کریستنسن^۱، ۲۰۱۱). با این وجود ایشان نمی‌توانند خود را با الگوهای ارتباطی و عاطفی سازش دهند. به همین دلیل او اصطلاحی به نام اوتیسم دوران نوزادی را مطرح کرد که در بعضی موارد با نام سندرم کانر شناخته می‌شود. او در این مقاله از روش کاردرمانی به‌عنوان یکی از روش‌های درمانی در اختلالات اوتیسم نام می‌برد. وی معتقد است که کاردرمانی موجب می‌شود کودکان به ارتباط‌های طبیعی زندگی خود تا حدودی برگردند (کانر، ۱۹۳۴).

جهش آخر این دوره مربوط به پژوهش جوسف تیفین^۲ و استون جیمز اسر^۳ در سال ۱۹۴۸ تحت عنوان «آزمون پوردو پگبورد^۴: هنجاریابی و مطالعات اطمینان و اعتبار آن» می‌باشد. در این پژوهش ضمن معرفی آزمون پوردو پگبورد به جزئیات آن پرداخته شده است. در واقع امروزه بسیاری از کاردرمان‌گران از آزمون‌های استانداردشده برای ارزیابی مهارت‌های حرکتی ظریف و درشت در مراکز درمانی استفاده می‌کنند که از جمله این آزمون‌ها می‌توان به آزمون پوردو پگبورد اشاره کرد (گالوس و متیووتز^۵، ۲۰۰۳). مقاله تیفین و اسر (۱۹۴۸) نشان داد که این آزمون دارای اعتبار و روایی مناسب برای استفاده در حیطه کاردرمانی می‌باشد.

نتایج مربوط به دوره ۱۹۵۱-۱۹۸۰ نیز حاکی از وجود ۵ جهش بود که نخستین جهش در سال ۱۹۶۵ روی داده و مربوط به اثر ایل فرو ماهونی^۶ (۱۹۶۵) به نام «ارزیابی عملکرد: شاخص بارتل» می‌باشد. هرچند این اثر دارای آمار قابل توجهی در پژوهش‌های کاردرمانی است ولی در مورد کاردرمانی نمی‌باشد بلکه در مورد شاخصی است که به‌عنوان ابزاری برای کاردرمانی مورد استفاده قرار گرفته است. اقلیدی و همکاران (۱۳۹۴) از این شاخص برای تأثیر آموزش حسی حرکتی در بیماران دارای سکتة مغزی استفاده کرده‌اند. این شاخص در دو بخش مراقبت از خود (۹ مورد: نوشیدن، خوردن، پوشیدن و درآوردن لباس، استحمام و کنترل ادرار و مدفوع) و تحرک (۶ مورد: انتقال به صندلی، توالی، حمام، راه رفتن و بالا رفتن از پله) ارائه شده است.

جهش دوم این دوره مربوط به پژوهشی است که توسط لاونتون و برودی^۷ در سال ۱۹۶۹ با عنوان «مقیاس فعالیت‌های ابزاری زندگی (IADL)» انجام شده است. این پژوهش به معرفی این ابزار به‌عنوان ابزاری جهت استفاده مددجویان کاردرمانی می‌پردازد. از آنجایی که هدف اصلی کاردرمانی تسهیل حداکثر استقلال ممکن برای مددجویان است، لذا شناخت فعالیت‌های روزمره زندگی ساده و پیشرفته و کاربرد ابزارها و وسایل کمکی لازم و روش‌های تسهیل استقلال فردی مددجویان برای کاردرمانی ضروری است (افشار، رصافیانی و حسینی، ۱۳۹۲).

جهش سوم این دوره مربوط به مقاله آنا جین آیرز^۸ (۱۹۲۰-۱۹۸۸) در سال ۱۹۷۲ با عنوان «انواع اختلالات ادغام حسی در میان معلمان معلول» می‌باشد. آیرز (۱۹۷۲) یک درمان‌گر حرفه‌ای آمریکایی، روان‌شناس آموزشی و مدافع افراد با نیازهای ویژه بود. او برای کارش بر روی نظریه یکپارچگی حسی مشهور شد (موری، لانه و موری، ۲۰۰۱). وی با تکیه بر کار پژوهش‌های پیشین و با بررسی رابطه بین مغز و رفتار، به توسعه نظریه و روش‌های مداخله ادغام

1. Blacher and Christensen
2. Joseph Tiffin
3. Eston J Asher
4. Purdue Pegboard
5. Gallus & Mathiowetz
6. Mahoney Ile Freund
7. Lawton & Brody
8. Anna Jane Ayers
9. Murray, lane & Murray

حس‌گر در دهه ۱۹۵۰ پرداخت. آیرز این ایده را برای مطالعه رفتار کودکانی که دچار مشکلات یادگیری بودند، مطرح نمود و سپس آن را بسط و گسترش داد (آیرز، ۲۰۰۵). در سال‌های دهه ۱۹۶۰ آیرز «معلولیت‌های پنهان» یا «اختلال در فرآیندهای ادغام حسی» را به رسمیت شناخته و توصیف کرد (آیرز، ۱۹۶۸)، که بعدها با عنوان اختلال عملکرد یکپارچه حسی شناخته شد. واژه یکپارچگی حسی معنی ویژه‌ای برای کاردرمان‌گران دارد. این واژه برای اشاره به روش خاصی که سیستم عصبی مرکزی برای سازمان‌دهی اطلاعات حسی، جهت رفتارهای عملکردی به کار می‌رود، استفاده می‌شود (مولیگان^۱، ۱۹۹۸). در این مقاله تمرکز اولیه آیرز (۱۹۷۲) بر پردازش حسی مخصوصاً در حس‌هایی مثل تعادل، لامسه و حس عمقی بود. در تئوری یکپارچگی حسی بر این سه حس تأکید ویژه‌ای می‌شود چرا که این حس‌ها جزء اولین حس‌های کودک هستند و هنگام تعامل کودک با محیط در دوران نوزادی اولیه، کودک از این حس‌ها به وفور استفاده می‌نماید. در نظریه یکپارچگی حسی به این حس‌ها، «حس‌های پروگزیمال» گفته می‌شود (گلنن^۲، ۲۰۱۳). حس‌های دیگری همچون بینایی و شنوایی نیز مهم هستند اما این حس‌ها که اصطلاحاً به آن‌ها «حس‌های دیستال» گفته می‌شود تا زمان تکامل نسبی سیستم عصبی و رسش کامل نوزاد کمتر از حس‌های پروگزیمال توسط کودک مورد استفاده قرار می‌گیرند. فرضیه اساسی آیرز (۱۹۷۲) این بود که عملکرد مغز عامل مهمی در رفتار انسان است. تعریف آیرز (۱۹۷۲) از یکپارچگی حسی این است: سازمان‌دهی حس‌ها برای استفاده.

مهم‌ترین جهش این دوره مربوط به اثر مارشال فلشتین، سوسان فلشتین و پول مچوق^۳ با عنوان «آزمون کوتاه وضعیت ذهنی^۴: یک روش عملی برای طبقه‌بندی وضعیت شناختی بیماران برای پزشک» در سال ۱۹۷۵ می‌باشد. زمان کوتاه وضعیت ذهنی در واقع یک آزمون شناختی است که معمولاً به‌عنوان بخشی از ارزیابی برای «دمانس» احتمالی استفاده می‌شود. اصطلاح «دمانس» یک گروه از مشکلات مغزی را پوشش می‌دهد که باعث زوال تدریجی عملکرد مغز، مهارت‌های تفکر، و توانایی انجام کارهای روزمره (به‌عنوان مثال شستشو و لباس پوشیدن) می‌شود. افراد مبتلا به دمانس نیز ممکن است مشکلاتی با سلامت روانی خود (خلق و خو و احساسات) و رفتارشان داشته باشند که مدیریت یا مقابله با آن برای افراد دیگر مشکل باشد. فرایندی که باعث دمانس در مغز می‌شود (با توجه به آسیب‌های مغزی در طول زمان) اغلب ناتوان‌کننده و منحنه‌کننده است. انواع دمانس عبارت‌اند از دمانس بیماری آلزایمر، دمانس عروقی، دمانس اجسام لوی و دمانس پیشانی-گیجگاهی (فلشتین و همکاران، ۱۹۷۵). نتایج ما از استفاده از آزمون کوتاه وضعیت ذهنی به‌عنوان بخشی از فرآیند تصمیم‌گیری درباره این که آیا فردی مبتلا به دمانس است یا خیر، حمایت می‌کند. آزمون کوتاه وضعیت ذهنی یا آزمون فلشتین یک پرسشنامه ۳۰ سؤالی است که به‌طور گسترده در زمینه‌های بالینی و پژوهش برای اندازه‌گیری اختلالات شناختی مورد استفاده قرار می‌گیرد (پنگام و همکاران^۵، ۲۰۰۰). همچنین از این پرسشنامه برای ارزیابی شدت و پیشرفت اختلالات شناختی استفاده می‌شود و از دوره تغییرات شناختی در یک فرد پیروی می‌کند؛ بنابراین آن را یک روش مؤثر برای ثبت پاسخ فرد به درمان معرفی کرده‌اند (تمبوج و مک‌اینیتره^۶، ۱۹۹۲). این آزمون طبق این پژوهش توسط فلشتین و همکارانش (۱۹۷۵) معرفی شد. مزایای استفاده از آزمون کوتاه وضعیت ذهنی این است که به هیچ تجهیزات تخصصی و یا آموزش برای مدیریت لازم

1. Mulligan
2. Glennon
3. Marshal Folstein, Susan Folstein & Paul McHugh
4. Mini-Mental State Examination (MMSE)
5. Pangman.al
6. Tombaugh & McIntyre

ندارد و دارای اعتبار و قابلیت اطمینان برای تشخیص و ارزیابی طولی بیماری آلزایمر است. با توجه به دوره مدیریت کوتاه مدت و سهولت استفاده از آن ابزاری قابل توجه برای ارزیابی شناختی در پزشکی است (هارل^۱ و همکاران، ۲۰۰۰).

و در نهایت آخرین جهش این دوره مربوط به سال ۱۹۷۹ اثر آنا جین آیرز (۱۹۲۰-۱۹۸۸) با عنوان «یکپارچگی حسی و کودک» می‌باشد و در مورد یکپارچگی حسی در جهش‌های قبلی توضیحات لازم ذکر شده است. نتایج نشان داد که در دوره ۱۹۸۱-۲۰۰۰، فقط یک جهش مهم رخ داده است که مربوط به مقاله ماری لاو^۲ و همکاران (۱۹۹۸) تحت عنوان «شغل، سلامت و رفاه» می‌باشد. کاردرمان‌گران معتقدند که بین اشتغال، سلامت و رفاه ارتباط وجود دارد اما در ادبیات کار درمانی شواهد کمی برای حمایت از این باور وجود دارد. این پژوهش نتایجی از نقدهای انتقادی پژوهشی درباره رابطه بین شغل و سلامت و رفاه را توصیف می‌کند. در این پژوهش بیست و دو مطالعه از ادبیات بهداشت و علوم اجتماعی با استفاده از معیارهای بررسی روش‌شناسی خاص مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های این مطالعات شواهد متوسط تا قوی است که نشان می‌دهد در حیطه کاردرمانی اشتغال تأثیر مهمی در سلامت و رفاه دارد.

نتایج مربوط به روش RPYS-CO نشان داد که عنوان بیشترین هم‌استنادی در بین مدارک هم‌استناد در بازه زمانی ۱۹۰۰ تا ۱۹۷۵ میلادی به پژوهش ریتن^۳ (۱۹۵۵) با عنوان به‌کارگیری آزمون‌های پیش‌گیری برای آسیب‌دیدگان مغزی تعلق گرفته است. ریتن (۱۹۲۲-۲۰۱۴) یک متخصص روان‌پزشکی آمریکایی و یکی از پدران روان‌پزشکی بالینی آمریکا بود که اعتقاد قوی به تجربه‌گری و تمرین مبتنی بر شواهد داشت و کار درمانی را راهبردی در راستای بیماری‌ها و آسیب‌های مغزی می‌دانست (گرانث و هیتون^۴، ۲۰۱۵). همچنین مقاله لوتون و برودی (۱۹۶۹) که در تحلیل RPYS نیز بررسی گردید، در زمره آثار حائز بیشترین هم‌استنادی قرار گرفته است که در آن به اهمیت کاردرمانی برای سالمندان پرداخته شده است. آنان اهمیت کاردرمانی را برای سالخورده‌ها در زندگی روزمره‌شان را مورد تأیید قرار دادند. همچنین عنوان بیشترین هم‌استنادی در بین مدارک هم‌استناد در بازه زمانی ۱۹۷۶ تا ۲۰۱۷ میلادی با استفاده از روش RPYS-CO، مربوط به سازمان بهداشت جهانی (۲۰۰۱) می‌باشد که ۳۲ بار هم‌استنادی با مقاله شاخص را داشته است. اساس‌نامه سازمان بهداشت جهانی هدف این سازمان را دستیابی همه مردم به بیشترین سطح سلامت ممکن بیان می‌کند. وظیفه اصلی این سازمان مبارزه با بیماری‌ها مخصوصاً بیماری‌های مسری شایع و ارتقاء سلامت عمومی مردم جهان است. سازمان بهداشت جهانی یکی از نخستین آژانس‌های سازمان ملل متحد است. رکورد دوم هم‌استنادی به اثر گراف^۵ و همکارانش (۲۰۰۶) با عنوان «کاردرمانی برای بیماران مبتلا به زوال عقل و مراقبت از آن‌ها» تعلق گرفته است. در این مقاله ۱۴ بار با اثر شاخص، مورد هم‌استنادی قرار گرفته است. آنان در این مقاله اشاره کردند که کار درمانی بهبود عملکرد روزانه بیماران را بهبود می‌بخشد و علی‌رغم تأثیر آن بر توانایی یادگیری محدود بیماران اثرات آن تا ۱۲ هفته نیز باقی می‌ماند که این یک دلیل خوب برای توجیه اجرای این مداخله است (گراف و همکاران، ۲۰۰۶). همچنین تامبوق و مک‌ایتیره (۱۹۹۲) در مقاله خود با عنوان «بررسی جامع آزمون کوتاه وضعیت

1. Harrell
2. Mary Law
3. Ralph M. Rithen
4. Grant & Heaton
5. Graff

ذهنی»، ۱۲ بار هم‌استنادی با مقاله شاخص را داشته‌اند. این مقاله از نظر موضوعی بسیار نزدیک به موضوع مقاله شاخص است و در هر دو مقاله آزمون کوتاه وضعیت ذهنی به عنوان یک شاخص برای تشخیص بیماری برای استفاده درمان‌کاران مطرح شده است. هم‌استنادی دیگر این دوره مربوط به سال ۲۰۰۵ و اثر ماری لاو و همکارانش با عنوان کاردرمانی در خانه و جامعه برای نوجوانان می‌باشد. این مقاله ۱۳ بار هم‌استنادی با مقاله شاخص را داشته است. در این مقاله به اهمیت کاردرمانی بر روی شغل آینده نوجوانان پرداخته شده و اظهار می‌دارد که افرادی تحت حمایت درمان‌گران، عملکرد شغلی بالاتری دارند. به‌طوری‌که کودکانی که از خدمات کاردرمانی در خانه و جامعه استفاده می‌کنند در توانایی‌های شغلی خود در آینده تغییر مثبتی خواهند داشت. این تغییرات به‌طور مستقیم به میزان یا تمرکز خدمات کاردرمانی مرتبط نیست و می‌تواند از عوامل دیگر نیز تأثیر بپذیرد (لاو و همکاران، ۲۰۰۵).

به‌طورکلی، بررسی ریشه تاریخی حوزه کاردرمانی نشان داد که آثار هربرت جول هال، ویلیام راش دانتون و آدولف مایر به‌عنوان آثار پایه و ابتدائی در حوزه کاردرمانی برای شناخت این مفهوم بوده‌اند. سپس پژوهش‌ها رویکرد جدیدی یافته و وارد موضوعاتی برای بررسی آزمون‌هایی در حوزه کاردرمانی شده‌اند که در این بین آزمون کوتاه وضعیت ذهنی برگرفته از مقاله مارشال فلشتین، سوسان فلشتین و پول مچوق به‌عنوان یک آزمون شاخص در حوزه کاردرمانی شناسایی شد. به‌طوری‌که این پژوهش به‌عنوان پراستنادترین و همچنین اثر شاخص مطرح گردید.

پیشنهادهای اجرایی پژوهش

با توجه به نتایج این پژوهش و شناسایی خاستگاه‌های تاریخی حوزه کاردرمانی، پیشنهاد می‌شود آثار نویسندگان تأثیرگذار حوزه مذکور و همچنین مفاهیم مربوط به محتوای آثار آن‌ها در مبانی دروس رشته کاردرمانی مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

همچنین، در انتها پیشنهاد می‌شود پژوهش مشابهی بر روی رکوردهای پایگاه اطلاعاتی اسکوپوس، به عنوان جامع ترین پایگاه استنادی، انجام شود و نتایج آن با نتایج پژوهش حاضر مقایسه گردد. علاوه بر این، انجام یک پژوهش علم سنجی روی پژوهش‌های کاردرمانی ایران در عرصه بین‌المللی می‌تواند تصویر روشنی از وضعیت پژوهش‌های ایران در این حوزه ارائه نماید.

فهرست منابع

- افشار، سارا؛ رصافیانی، مهدی و حسینی، سیدعلی (۱۳۹۳). تأثیر برنامه منزل کاردرمانی بر فعالیت‌های روزمره زندگی در کودکان فلج مغزی ۵ تا ۱۲ ساله. فصلنامه علمی پژوهشی توان‌بخشی، (۴)، ۱۳-۱۱۷.
- اقلیدی، ژاندارک؛ میرشجاع، مینا سادات؛ شفیعی، جامه بزرگی و تقی‌زاده قربان (۱۳۹۴). تأثیر آموزش حسی-حرکتی بر بهبود فعالیت‌های پایه و کارساز روزمره زندگی در افراد مبتلا به سکته مغزی مزمن. فصلنامه علمی-پژوهشی طب توان‌بخشی، (۴)، ۲-۷۹.
- بیرانوند، علی، خاصه، علی اکبر (۱۳۹۵). کشف سیر تحول در حوزه وب معنایی با رویکرد نوین RPYS. مدیریت اطلاعات و دانش شناسی، ۳ (۲)، ۳۷-۴۸.
- حبیبی، روزبه؛ مختارپور، رضا؛ و خاصه، علی اکبر (۱۳۹۶). تحلیل سیر تکاملی پژوهش‌های جهانی کارآفرینی با فنون علم سنجی. نشریه توسعه کارآفرینی، دوره ۱۰، شماره ۴، ۵۷۵-۵۹۴.

حری، عباس (۱۳۹۲). تحلیل استنادی، در دایره المعارف کتابداری و اطلاع رسانی، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

سهیلی، فرامرز، و خاصه، علی اکبر (۱۳۹۴). بررسی خاستگاه های تاریخی حوزه رفتار اطلاعاتی با استفاده از رویکرد نوین طیف سنجی سال انتشار مآخذ. پردازش و مدیریت اطلاعات، ۳۱ (۱): ۳-۲۶.

مختارپور، رضا، و خاصه، علی اکبر (۱۳۹۶). شناسایی جهش های تاریخی مباحث روش پژوهش به شیوه طیف سنجی سال انتشار مآخذ. مطالعات کتابداری و علم اطلاعات، دوره ۲۴، شماره ۲۰، ۴۳-۵۸.

موسوی چلک، افشین؛ خاصه، علی اکبر؛ و سهیلی، فرامرز (۱۳۹۷). مطالعه سیر تکاملی حوزه «خدمات و منابع مرجع» با استفاده از طیف سنجی سال انتشار مآخذ. تحقیقات اطلاع رسانی و کتابخانه های عمومی، ۲۴ (۱): ۱۰۳-۱۲۴.

Ayres, A. J. (1968). Sensory integrative processes and neuropsychological learning disability. *Learning Disorders*, 3: 41-58.

Ayres, A. J. (1972). Types of sensory integrative dysfunction among disabled learners. *American Journal of Occupational Therapy*, 26(1):13-8.

Ayres, A. J. (2005). *Sensory integration and the child: understanding hidden sensory challenges (25th anniversary ed., rev. and updated / by Pediatric Therapy Network ed.)*. Los Angeles, CA: WPS.

Anthony, S. H. (2005). Dr. Herbert J. Hall: Originator of Honest Work for Occupational Therapy 1904-1923 [Part I]. *Occupational Therapy in Health Care*, 19(3), 3-19.

Ballandonne, M. (2018): The historical roots (1880-1950) of recent contributions (2000-2017) to ecological economics: insights from reference publication year spectroscopy, *Journal of Economic Methodology*, DOI: 10.1080/1350178X.2018.1554227

Blacher, L. & Christensen, J, L (2011). Sowing the seeds of the autism field: Leo Kanner (1943). *Intellect Dev Disabil.* 49 (3): 172-91.

Blanchard, J.J. & Cohen, A.S. (2005). The structure of negative symptoms within schizophrenia: implications for assessment. *Schizophr Bull.* 2006 Apr; 32(2): 238-45.

Brown, T. (2011). Journal quality metrics: Options to consider other than impact factors. *American Journal of Occupational Therapy*, 65(3), 346-350.

Brown, T., Gutman, S. A., Ho, Y. S., & Fong, K. N. (2018). A bibliometric analysis of occupational therapy publications. *Scandinavian journal of occupational therapy*, 25(1), 1-14.

Brownson, C. A., & Scaffa, M. E. (2001). Occupational therapy in the promotion of health and the prevention of disease and disability statement. *The American journal of occupational therapy: official publication of the American Occupational Therapy Association*, 55(6), 656-660.

- Christiansen, C. (2007). Adolf Meyer revisited: connections between lifestyles, resilience and illness. *Journal of Occupational Science*, 14(2), 63-76.
- Case-Smith, J., Richardson, P., & Schultz-Krohn, W. (2010). An overview of occupational therapy for children. *Occupational Therapy for Children*, 5, 2-31.
- Clancy, H. & Clark, M J. (1990). *Occupational Therapy with Children*. Melbourne; New York: Churchill Livingstone.
- Creavin, S. T., Wisniewski, S., Noel-Storr, A. H., Trevelyan, C. M., Hampton, T., Rayment, D., ... & Patel, A. S. (2016). Mini-Mental State Examination (MMSE) for the detection of dementia in clinically unevaluated people aged 65 and over in community and primary care populations. *Cochrane Database of Systematic Reviews*, (1).
- Dunton, W. R. (1919). *Occupational therapy: A manual for nurses*. Philadelphia, PA: W. B. Saunders.
- Dunton, W. R. (1934). The need for the value of research in occupational therapy. *American Journal of Physical Medicine & Rehabilitation*, 13(5), 325-328.
- Folstein, M. F., Folstein, S. E., & McHugh, P. R. (1975). "Mini-mental state": a practical method for grading the cognitive state of patients for the clinician. *Journal of psychiatric research*, 12(3), 189-198.
- Gallus, J., & Mathiowetz, V. (2003). Test-retest reliability of the Purdue Pegboard for persons with multiple sclerosis. *American Journal of Occupational Therapy*, 57(1), 108-111.
- Glennon, T. J. (2013). Sensory integration and praxis test. In *Encyclopedia of Autism Spectrum Disorders* (pp. 2791-2795). Springer New York.
- Graff, M. J., Vernooij-Dassen, M. J., Thijssen, M., Dekker, J., Hoefnagels, W. H., & Rikkert, M. G. O. (2006). Community based occupational therapy for patients with dementia and their care givers: randomised controlled trial. *BMJ*, 333(7580), 1196.
- Grant, I., & Heaton, R. K. (2015). Ralph M. Reitan: A founding father of neuropsychology. *Archives of Clinical Neuropsychology*, 30(8), 760-761.
- Gutman, S. A., Brown, T., & Ho, Y. S. (2017). A Bibliometric Analysis of Highly Cited and High Impact Occupational Therapy Publications by American Authors. *Occupational therapy in health care*, 31(3), 167-187.
- Hall, H. J. (1910). Work cure: A report of five years' experience at an institution devoted to the therapeutic application of manual work. *Journal of the American Medical Association*, 54(1), 12-14.
- Harrell, L. E., Marson, D., Chatterjee, A., & Parrish, J. A. (2000). The Severe Mini-Mental State Examination: a new neuropsychologic instrument for the bedside assessment of severely impaired patients with Alzheimer disease. *Alzheimer Disease & Associated Disorders*, 14(3), 168-175.

- Pangman, V. C., Sloan, J., & Guse, L. (2000). An examination of psychometric properties of the mini-mental state examination and the standardized mini-mental state examination: implications for clinical practice. *Applied Nursing Research*, 13(4), 209-213.
- Reitan, R. M. (1955). The relation of the trail making test to organic brain damage. *Journal of consulting psychology*, 19(5), 393-406.
- Sorgaard KW, Hansson L, Heikkila J, Vinding HR, Bjarnason O. (2001). Predictors of social relations in persons with schizophrenia living in the community: a Nordic multicentre study. *Soc Psychiatry Psychiatr Epidemiol*; 36(1): 13-19.
- Tiffin, J., & Asher, E. J. (1948). The Purdue Pegboard: norms and studies of reliability and validity. *Journal of applied psychology*, 32(3), 234.
- Tombaugh, T. N., & McIntyre, N. J. (1992). The mini-mental state examination: a comprehensive review. *Journal of the American Geriatrics Society*, 40(9), 922-935.
- Wray, K. B., & Bornmann, L. (2014). Philosophy of science viewed through the lens of “Referenced Publication Years Spectroscopy” (RPYS). *Scientometrics*, 102 (3): 1987-1996.